

کاشمیر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ شنبه ۴ مهر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۵۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان



۲

به مناسبت هفتادسالگی اسدالله معطوفی؛
باغبان حافظه تاریخی گرگان و دشت



۳

مرز حساس اعتماد در آموزش هنر
ناظر و منظور



۳

تقویت زنجیره صادرات کشاورزی گلستان را
متحول می کند



بازخوانی دو قرن سکوت پس از هفتادوهفت سال
پی آمدهای یک نام گذاری

«۴-۵»



وقتی محرومیت همکلاسی
دانش آموزان گنبدی است ...

«۷»



نمایشگاه اکسپو، فرصتی برای معرفی
صنایع دستی گلستان

«۸»

هشدار استاندار به مدیران:

اعتبار نباید برگشت بخورد



فاطمه سراوانی - استاندار گفته است حتی یک ریال از اعتبارات استان نباید برگشت بخورد؛ اما پشت این هشدار، یک پرسش مهم تر ایستاده است، چرا هنوز باید نگران برگشت خوردن پولی باشیم که برای حل مشکلات مردم اختصاص یافته است؟ اعتبار دولتی، فرصتی محدود برای حل مسئله های انباشته یک استان است. وقتی برای گلستان منابع ملی و استانی اختصاص پیدا می کند، معنایش این است که بخشی از ظرفیت مالی کشور برای اجرای پروژه ها و رفع نیازهای این استان کنار گذاشته شده است. بنابراین اگر این منابع به دلیل تعلل، ضعف برنامه ریزی، ناهماهنگی یا ناکارآمدی اجرایی برگشت بخورد، موضوع فرق می کند. هر اعتبار برگشتی، اگر قابل پیشگیری بوده باشد، یک فرصت از دست رفته است. هشدار استاندار از همین منظر اهمیت دارد؛ اما هشدار زمانی ارزشمند است که به سازوکار نظارت و پاسخ گویی منتهی شود. مدیران دستگاه های اجرایی باید دقیقاً بدانند چه میزان اعتبار در اختیار دارند، چه پروژه های برای آن تعریف شده، چه موانعی بر سر راه اجرای آن وجود دارد و برای رفع این موانع چه اقدامی انجام داده اند. دیگر نمی توان پذیرفت که در ماه های پایانی سال، دستگاهی تازه متوجه شود پروژه ای آمادگی اجرا ندارد یا فرآیند اداری آن به سرانجام نرسیده است. مدیریت اعتبار، مدیریت دقیقه نود نیست. دستگاهی که از ابتدای سال

برنامه روشن داشته باشد، پروژه آماده اجرا داشته باشد و موانع را به موقع شناسایی کند، نباید در پایان سال برای جذب منابع به جنگ زمان برود. اما یک نکته مهم تر هم وجود دارد؛ نباید جذب صد درصدی اعتبار به شاخصی مقدس و بدون رقیب برای ارزیابی عملکرد مدیران تبدیل شود.

هدف، فقط خرج کردن پول نیست

اگر مدیری برای جلوگیری از برگشت اعتبار، منابع را با عجله و بدون اولویت در پروژه ای کم اثر هزینه کند، آیا واقعا موفق بوده است؟ اگر هزینه انجام شود اما پروژه سال ها نیمه تمام بماند چه؟ اگر منابع جذب شود اما خروجی آن متناسب با هزینه انجام شده نباشد، آیا می توان آن را موفقیت مدیریتی نامید؟ پاسخ روشن است جذب اعتبار لازم است، اما کافی نیست. آنچه اهمیت دارد، زنجیره کامل تخصیص، جذب، هزینه کرد، اجرا و نتیجه است. حلقه آخر این زنجیره،

این پرسش ها باید پاسخ داشته باشند. اگر مانعی خارج از اختیار مدیر است، باید نام مانع و دستگاه مسئول رفع آن مشخص شود؛ اما اگر مشکل ناشی از ضعف پیگیری، بی برنامه گی یا تاخیر مدیریتی است، نمی توان مسئولیت آن را پشت عبارت هایی مانند مشکلات فرآیندی و موانع اداری پنهان کرد.

پاسخ گویی یعنی همین؛ مشخص باشد پول کجا بوده، چرا معطل مانده و سرانجام چه نتیجه ای برای مردم داشته است. گلستان به منابع بیشتری نیاز دارد، اما پیش از آن به نظام دقیق تر و پاسخ گوتر برای مدیریت منابع موجود نیاز دارد. منابع محدودند و نیازها فراوان. در چنین شرایطی، هر ریالی که بی دلیل برگشت بخورد، یک فرصت سوخته است و هر ریالی که بدون اولویت و اثربخشی هزینه شود نیز نوع دیگری از اتلاف منابع است.

پس در کنار جمله حتی یک ریال نباید برگشت بخورد، باید گفت حتی یک ریال از منابع مردم نباید بدون برنامه، بدون نظارت و بدون نتیجه هزینه شود. اگر این دو اصل همزمان جدی گرفته شوند، هشدار استاندار می تواند از یک تذکر اداری به یک مطالبه واقعی برای اصلاح مدیریت استان تبدیل شود. در غیر این صورت، ممکن است ارقام بودجه در پایان سال جذب شده باشند، اما پرسش اصلی مردم همچنان بی پاسخ بماند این پرسش اساسی که از این همه اعتبار، سهم واقعی مردم گلستان از توسعه کجاست؟

مرکز مشاوره

انجام نقشه مغزی و نوروفیدبک
و انواع تست های تشخیصی

کوثر قندهاری

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

گرگان، خیابان ولیعصر (شالیکوبی)، عدالت ۱۳، ساختمان پزشکان قائم، طبقه چهارم، واحد ۱۵

شماره تماس: ۰۹۳۹۷۶۳۰۹۵۱

یادداشت اول

گلستان و چرخه تصمیم های کوتاه مدت

■ با مسوولیت سر دبیر

یکی از پرسش های جدی درباره توسعه گلستان این است که چرا با وجود تغییر دولت ها، استانداران و مدیران، بسیاری از مسائل اساسی استان همچنان در همان نقطه ای ایستاده اند که سال ها پیش بودند؟ آیا مشکل فقط کمبود اعتبار است یا بخشی از مسئله به تصمیم هایی باز می گردد که کوتاه مدت گرفته می شوند و فرصت پیدا نمی کنند به یک مسیر پایدار توسعه تبدیل شوند؟ توسعه یک استان با تصمیم های مقطعی و پروژه های پراکنده اتفاق نمی افتد. گلستان برای پیشرفت یک نقشه راه روشن می خواهد، نقشه ای که با تغییر مدیران، اصل آن تغییر نکند و هر مدیر جدید به جای آغاز دوباره، ادامه دهنده مسیری باشد که پیش تر بر اساس مطالعات کارشناسی و اولویت های واقعی استان تعیین شده است. امروز در بسیاری از حوزه ها، از کشاورزی و آب گرفته تا راه، صنعت، گردشگری، محیط زیست و اشتغال، با مسائل انباشته ای روبه رو هستیم. بخشی از این مشکلات البته به محدودیت منابع و شرایط اقتصادی کشور مربوط است؛ اما همه چیز را نمی توان به کمبود اعتبار نسبت داد. گاهی مسئله، نبود اولویت بندی، تغییر مکرر تصمیم ها، موازی کاری دستگاه ها و نداشتن ارزیابی دقیق از نتیجه سیاست هاست. مدیران باید نسبت به تداوم و اثربخشی سیاست های توسعه ای استان پاسخ گو باشند، نه صرفاً نسبت به تعداد تصمیم ها و پروژه هایی که در دوره مسئولیت خود آغاز می کنند. معیار مدیریت توسعه گرا، تعریف طرح های جدید به تنهایی نیست؛ بلکه تعیین چند اولویت واقعی، تامین الزامات اجرایی آنها، ایجاد هماهنگی میان دستگاه ها، تعیین زمان بندی مشخص و سنجش مستمر میزان پیشرفت است. هر تصمیمی که بدون ارزیابی طرح های نیمه تمام، بدون تعیین نسبت آن با اولویت های اصلی استان و بدون برآورد دقیق منابع اتخاذ شود، می تواند به انباشت پروژه های جدید و فرسایش منابع محدود استان منجر شود.

ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت اول

گلستان و چرخه تصمیم‌های کوتاه‌مدت

مسئولیت مدیریت استان ایجاب می‌کند که تصمیم‌های امروز، با توجه به آثار اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی چند سال آینده اتخاذ شوند، نه صرفاً بر مبنای دستاوردهای کوتاه‌مدت و قابل ارائه در یک دوره مدیریتی. گلستان وعده‌های تازه نمی‌خواهد، طرح‌های اولویت‌دار را تکمیل کنید و بیش از تغییر مداوم مسیرها، به ثبات در سیاست‌گذاری ببینید. اگر هر مدیر با

ورود خود بخواهد همه چیز را از نو تعریف کند، توسعه استان دائماً در نقطه شروع باقی می‌ماند. اما اگر هر مدیر، کارنامه خود را بر پایه تکمیل مسیرهای کارشناسی‌شده و قابل سنجش بنا کند، تغییر مدیر می‌تواند به معنای تغییر فرد باشد، نه تغییر مسیر توسعه. گلستان برای عبور از مسائل مزمن خود، بیش از هر چیز باید به دنبال حافظه‌ی مدیریتی، ثبات در تصمیم‌گیری و شجاعت در

انتخاب اولویت‌ها باشد. توسعه زمانی آغاز می‌شود که هر مدیر بداند قرار نیست تاریخ استان را از صفحه اول بنویسد؛ باید صفحه‌ای را که تحویل گرفته، دقیق‌تر، کامل‌تر و ماندگارتر به مدیر بعدی بسپارد. آینده گلستان نباید با آمدن و رفتن مدیران دوباره تعریف شود؛ باید با هر تغییر مدیریتی، یک گام دیگر به سمت ساختن آنچه از پیش برایش برنامه‌ریزی شده، برداشته شود.



کتاب‌های او می‌خوانیم - از «اوسانه زندگی» و باورهای مردم استرآباد گرفته تا «تاریخ چهارهزارساله ارتش ایران» یا پژوهش‌های دقیق بر روی برج‌های تاریخی قایوس و رادکان - درمی‌یابیم که او با هر کتاب، خشتی بر دیوار هویت این دیار افزوده است. استاد معطوفی برای من و دوستانی همچون محمود اخوان مهدوی، نویسنده و پژوهشگر نام آشنا و هم میزی و هم کلاسی‌ام در مقطع راهنمایی، نه فقط یک دبیر، بلکه کاشف هویت گم‌شده‌مان بود. او در آن سال‌های نوجوانی، به ما آموخت که تحقیق، یک کنش لوکس نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی است؛ او آموخت که اگر گذشته‌مان را نشانسیم، در مواجهه با آینده، بی‌دفاع خواهیم بود. در مجموع و به حق نیم‌قرن پژوهش، کاری کارستان است. او با قلمش، میان نسل اکنون و تاریخ هزارساله این خاک، پل زده است. حالا که او به هفتادمین ایستگاه عمرش رسیده، این یادداشت تنها یک تقدیم‌نامه ساده نیست بلکه ادای دینی است به معلمی که با صبوری، رنج پژوهش را به جان خرید تا گرگان و گلستان در حافظه تاریخ ایران، نامی روشن‌تر داشته باشد.

به نامی در ادبیات یا پژوهش و ... بدل شود، کسی را داشته که در یک جمع خانوادگی، یک محفل فرهنگی و یا کلاس‌های درس و مدرسه، با کلامی گرم یا تشویقی به‌جا، بذر کنجکاوای را در دلش کاشته است و هر وقت از روزهای شکل‌گیری ذوق نویسندگی و زیست‌فرهنگی‌اش صحبت می‌کند، مدام به گذشته برمی‌گردد و می‌گوید: «فلانی برای من معلمی کرد». برای من نیز که مسیر زندگی‌ام به جهان فرهنگ و هنر گره خورد، وقتی به عقب نگاه می‌کنم، آدم‌هایی را می‌بینم که حضورشان مستقیم یا غیرمستقیم، چراغ راهم بوده است. از سید حسین میر کاظمی، پدر داستان‌نویسی نو در استان گلستان که در دهه هشتاد در کتاب‌فروشی‌اش آژینه سیاه مشق‌هایم را تورق می‌کرد و نظر می‌داد و تشویق می‌کرد که متأسفانه این روزها در بستر بیماری به سر می‌برد که نفس گرمش همچنان الهام‌بخش ماست؛ تا محمد چرمشیر، در عرصه هنر نماینده‌نویسی که اگرچه شاگرد مستقیم کلاس‌هایش نبودم، اما از خواندن آثار پرشمارش و دیدن تئاترهای از نوشته‌هایش بسیار آموختم. القسه، چنین چهره‌هایی بسیار بودند و به شاگردی آن‌ها افتخار می‌کنم؛ اما در این میان، نامی هست که برای من و نسلی از هم‌کلاسی‌هایم در مدرسه راهنمایی «سید جمال‌الدین اسعد گرگانی» در دهه هفتاد شمسی، حکم یک قطب‌نما را داشت؛ اسدالله معطوفی. امروز به بهانه هفتادسالگی‌اش، می‌خواهم از مردی بنویسم که نه تنها در کلاس درس، بلکه در مدرسه بزرگ فرهنگ گرگان یکی از معلم‌های بی‌ادعای ما بوده است. اسدالله معطوفی، متولد ۳۱ شهریور ۱۳۳۵ در محله اصیل سبزه مشهد، تنها یک پژوهشگر یا مدرس دانشگاه نیست؛ او حافظه مکتوب و باغبان حافظه تاریخی گرگان و دشت است. کسی که شاید اغراق نباشد که اگر بگوئیم به تعداد سال‌های عمرش، کتاب تألیف کرده یا در دست انتشار دارد. او در تمام این سال‌ها، آستین بالا زده و در غبار زمان، به دنبال آینه‌هایی گشته که هویت تاریخی ما را بازتاب می‌دهند. معطوفی، به تعبیری کوزه‌گر زمان است؛ تپه‌های باستانی، سنگ‌مزارهای خاموش، کتیبه‌های تاریخی و دیوار دفاعی گرگان را با کلماتش دوباره جان داد و از فراموشی نجات داده است. وقتی از

«

به مناسبت هفتادسالگی اسدالله معطوفی؛

باغبان حافظه تاریخی
گرگان و دشت

سید حسن حسینی نژاد

پنجاه سال پژوهش مداوم، عدد کمی نیست؛ عمری است که صرف واکاوی هویت یک سرزمین شده و اسدالله معطوفی در قامت نویسنده، مورخ و مدرس، امروز نه فقط یک چهره نام‌آشنا، که مرجع معتبری برای شناخت تاریخی گرگان و استرآباد به شمار می‌رود. وقتی پای صحبت اهالی فرهنگ و قلم می‌نشینیم، یا آنان که نبض زندگی‌شان با کلمه و فرهنگ می‌تپد؛ در اکثر روایت‌ها، ردی از یک راهنما، مشوق و معلم در نقطه شروع این مسیر به چشم می‌خورد. گویی پیش از آنکه کسی

پیشکسوتان مقاومت و دفاع گلستان تجلیل شدند

جنگ، نور انقلاب اسلامی را خاموش کند، اما حضور و ایستادگی مردم موجب شد محاسبات دشمن به نتیجه نرسد. وحید فخرالدین افزود: دشمن از نظر تجهیزات و امکانات نظامی و حمایت قدرت‌های مختلف، شرایط مناسبی برای پیشبرد اهداف خود داشت، اما در محاسباتش نقش مردم و حضور آنان در صحنه را در نظر نگرفته بود. وی با تأکید بر ضرورت انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل‌های جدید گفت: دفاع مقدس تنها مجموعه‌ای از حوادث تاریخی نیست، بلکه فرهنگی از ایثار، مقاومت و ایستادگی است که باید از نسل پیشکسوتان به جوانان منتقل شود. وی ادامه داد: حضور رزمندگان و جوانان در سال‌های پس از دفاع مقدس نشان می‌دهد این فرهنگ همچنان در جامعه استمرار دارد و باید برای حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده تلاش کرد. در پایان این آیین از جمعی از خانواده‌های شهدا، پیشکسوتان مقاومت و دفاع در استان گلستان تجلیل و قدردانی شد.



نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت استان گلستان هم در این مراسم با اشاره به اهداف دشمن در دوران جنگ تحمیلی اظهار کرد: دشمن تلاش کرد با تحمیل

گفت: این خاطرات باید توسط رزمندگان، فرماندهان، مسئولان، کارشناسان و خبرنگاران ثبت و برای نسل‌های آینده روایت شود. مدیرکل بنیاد حفظ آثار و

مقابله با توطئه‌های دشمن ضروری است. استاندار گلستان همچنین بر ضرورت ثبت و انتقال خاطرات و تجربیات رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس تأکید کرد و

آموزشگاه‌های آزاد هنری سال‌هاست یکی از مهم‌ترین پایه‌های آموزش رسمی و غیررسمی هنر در کشور و استان‌ها هستند؛ مجموعه‌هایی که بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری، اشتغال، آموزش و پرورش استعدادهای هنری را بر دوش دارند. طبیعی است که چنین عرصه‌ای برای ادامه مسیر، بیش از هر چیز به یک نظام نظارتی شفاف، تخصصی، عادلانه و قابل اعتماد نیاز داشته باشد. شورای رسیدگی و نظارت استان نیز با همین هدف شکل گرفته است؛ شورایی که وظیفه نظارت بر فعالیت آموزشگاه‌های آزاد هنری و بررسی برخی امور مهم مرتبط با آنها را بر عهده دارد. در سطح بالاتر نیز شورای مرکزی نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وظایفی از جمله نظارت و هماهنگی شوراهای استانی و رسیدگی به تجدیدنظر آرای آنها را بر عهده دارد.

اما امروز، در کنار موضوع تخصص و تجربه اعضای شورا، یک پرسش مهم و آینده‌نگرانه نیز باید مورد توجه قرار گیرد: مرز میان «ناظر» و «منظور» کجاست؟ فرض کنیم فردی در یک رشته هنری، خود صاحب یا مدیر یک آموزشگاه باشد و هم‌زمان در ساختار تصمیم‌گیری و نظارت بر همان آموزشگاه‌ها نیز حضور داشته باشد. آیا صرف تخصص و تجربه هنری برای این جایگاه کافی است؟ یا لازم است هم‌زمان بررسی شود که آیا فرد موردنظر در حوزه‌ای که قرار است بر آن نظارت کند، منفعت مستقیم یا رابطه حرفه‌ای دارد یا خیر؟

طرح این پرسش به هیچ عنوان به معنای نفی شایستگی یا شخصیت هیچ هنرمندی نیست. اتفاقاً ممکن است یک مدیر آموزشگاه، از باتجربه‌ترین و متخصص‌ترین افراد آن رشته باشد. مسئله جای دیگری است: چگونه می‌توان هم از تخصص او استفاده کرد و هم استقلال

جایگاه نظارتی را حفظ نمود؟

اهمیت این پرسش با توجه به ابلاغ «دستورالعمل مدیریت تعارض منافع در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» در آبان ۱۴۰۴ بیشتر شده است؛ دستورالعملی که برای مدیران کل استانی نیز ابلاغ شده و هدف آن ارتقای سلامت اداری، عدالت سازمانی، تقویت اعتماد عمومی و صیانت از منافع عمومی عنوان شده است. در ادبیات مدیریت تعارض منافع نیز از موقعیتی با عنوان «اتحاد ناظر و منظور» یاد می‌شود؛ یعنی شرایطی که میان ناظر و موضوع تحت نظارت، وابستگی یا منفعتی وجود داشته باشد که می‌تواند استقلال نظارت را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین شاید شایسته باشد در فرآیند انتخاب اعضای شوراهای نظارتی آموزشگاه‌های آزاد هنری، علاوه بر دانش، تجربه، سابقه هنری و صلاحیت حرفه‌ای، موضوع استقلال نظارتی و تعارض منافع احتمالی نیز به‌صورت شفاف بررسی شود.

حتی اگر قانون، عضویت یک فرد فعال در حوزه آموزش هنر را به‌طور مطلق ممنوع نکرده باشد، یک پرسش منطقی همچنان باقی است: اگر تصمیم شورا مستقیماً درباره حوزه‌ای باشد که عضو شورا در همان حوزه فعالیت و منفعت حرفه‌ای دارد، چه کسی و با چه سازوکاری از بی‌طرفی آن تصمیم‌گیرندگان حاصل می‌کند؟

پاسخ به این پرسش، نه مقابله با هنرمندان است و نه محدود کردن حضور متخصصان. برعکس، می‌تواند موجب حفظ شأن متخصصان، افزایش اعتماد آموزشگاه‌ها و جلوگیری از ایجاد شائبه‌های قابل پیشگیری شود. شاید امروز زمان آن رسیده باشد که در مسیر «تحول در شورای نظارت»، یک اصل ساده اما مهم را جدی‌تر ببینیم:

تخصص برای نظارت ضروری است؛ اما استقلال ناظر نیز ضروری است.

جامعه آموزشگاه‌های آزاد هنری انتظار ندارد همه تصمیم‌ها مطابق خواسته آنان باشد؛ انتظار آنها این است که بدانند تصمیم‌ها در چارچوب قانون، تخصص، شفافیت و بدون تعارض منافع اتخاذ می‌شود. در پایان، شاید بد نباشد یک پرسش صمیمانه اما جدی نیز با مدیریت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در میان گذاشته شود؛ پرسشی که نه از سر گلایه شخصی، بلکه از سر احترام به جایگاه گفت‌وگوی فرهنگی مطرح می‌شود:

اگر یک هنرمند یا مدیر آموزشگاه، با صرف ساعت‌ها مطالعه، گفت‌وگو و صرف وقت، پیشنهادی مکتوب درباره آینده ساختار نظارت بر آموزش هنر استان ارائه کند و آن را حضوری نیز به مسئولان مربوط برساند، آیا شایسته نیست دست‌کم فرصتی برای شنیدن، گفت‌وگو و دریافت یک پاسخ کوتاه برای آن پیشنهاد در نظر گرفته شود؟

شاید پاسخ ندادن، به معنای نپذیرفتن یک پیشنهاد نباشد؛ اما سکوت در برابر چنین مطالباتی می‌تواند این تصور ناخواسته را ایجاد کند که دیدگاه کارشناسی هنرمندان، حتی در حد دعوت به یک گفت‌وگوی تخصصی، جدی گرفته نشده است. و این تصویری نیست که جامعه هنری و مدیران فرهنگی استان بخواهند میان خود شکل بگیرد. این مطالبه‌ای که به یک آموزشگاه یا یک فرد نیست؛ مطالبه‌ای برای آینده آموزش هنر استان است؛ آینده‌ای که در آن هم متخصصان فرصت حضور داشته باشند، هم صدای جامعه هنری شنیده شود و هم اعتماد عمومی به سلامت تصمیم‌ها حفظ شود.

مدرس موسیقی

«

مرز حساس اعتماد در آموزش هنر

ناظر و منظور



مهدی عظیمی

تقویت زنجیره صادرات کشاورزی گلستان را متحول می‌کند

به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای ساماندهی تولید، تامین نهاده، ارتقای بهره‌وری، تضمین بازار و تقویت بخش خصوصی توسعه دهیم. معاون استاندار گلستان با اشاره به ظرفیت‌های شرکت پیشگامان کشت پایدار در حوزه خدمات و زنجیره‌های کشاورزی، گفت: این مجموعه از شرکت‌های بزرگ و تخصصی فعال در این حوزه است که تجربه ارزشمندی در زمینه‌های مختلف زنجیره‌های کشاورزی دارد و می‌تواند در حوزه‌هایی همچون کشت قراردادی، تامین بذر و نهاده، آموزش و انتقال دانش، انبارداری، بازرگانی و صادرات نقش موثری ایفا کند. کیانمهر ادامه داد: آنچه برای استان گلستان اهمیت دارد ایجاد یک الگوی عملیاتی و قابل توسعه است که بتواند تولیدکننده را از ابتدا تا انتهای زنجیره به بازار متصل کرده و ضمن کاهش هزینه‌ها و ریسک تولید، ارزش افزوده بیشتری برای کشاورزان ایجاد کند.



معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با تاکید بر ضرورت تغییر رویکرد در بخش زراعت و باغبانی استان، گفت: تقویت زنجیره‌های ارزش و صادرات، توسعه کشت قراردادی و اتصال موثر حلقه‌های تولید، تامین، فرآوری و بازار می‌تواند زمینه‌ساز تحول در بخش کشاورزی گلستان باشد. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیان‌مهر در نشست بررسی ظرفیت‌های خدمات کشاورزی و توسعه زنجیره‌های بخش زراعت و باغبانی گلستان با حضور نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران اظهارکرد: این استان از ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه زراعت و باغبانی برخوردار است اما برای بهره‌گیری موثرتر از این ظرفیت‌ها باید از رویکردهای سنتی و پراکنده فاصله گرفته و به سمت شکل‌گیری زنجیره‌های منسجم و اقتصادی حرکت کنیم. وی افزود: هدف باید تقویت زنجیره‌های ارزش و صادرات در بخش کشاورزی باشد و در کنار آن، کشت قراردادی را

گلستان در ادامه درباره پرونده‌های حوزه بهداشت و درمان گفت: دریافت وجه خارج از تعرفه‌های قانونی و مصوب از بیماران، در صورت گزارش و تشکیل پرونده و پس از احراز تخلف، در چارچوب صلاحیت‌های قانونی تعزیرات حکومتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. قشلاقی با اشاره به موضوع دریافت‌های غیرمعارف و آنچه در عرف از آن به عنوان «زیرمیزی پزشکان» یاد می‌شود، افزود: چنانچه پزشک یا مرکز درمانی خارج از ضوابط و تعرفه‌های قانونی از بیمار وجهی مطالبه یا دریافت کند و موضوع از سوی مراجع ذی‌صلاح گزارش و مستندات لازم ارائه شود، پرونده تشکیل و مطابق مقررات با آن برخورد خواهد شد. وی افزود: میزان تخلفات ناانویسی‌ها نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۹ درصد، فروشگاه‌های مواد غذایی ۲۰ درصد، میوه‌فروشی‌ها هفت درصد و اتحادیه درودگران ۲۳ درصد افزایش داشته، در حالی که تخلفات حوزه پوشاک ۲۴ درصد کاهش یافته است.

مدیرکل تعزیرات حکومتی گلستان با اشاره به برخی پرونده‌های مهم رسیدگی شده در نیمه نخست امسال اظهار کرد: در یکی از پرونده‌ها یک دستگاه خودروی خارجی قاچاق به ارزش ۵۹ میلیارد ریال کشف و برای متخلف پرونده تشکیل شد. وی افزود: همچنین در پرونده‌ای دیگر مربوط به قاچاق سوخت، ارزش تخلف ۱۹ میلیارد ریال اعلام شد. قشلاقی ادامه داد: در یکی از پرونده‌های مهم، حدود ۱۰۰ تن کنجاله سویا وارداتی مورد تخلف قرار گرفته بود که ارزش آن ۱۰۲ میلیارد و ۴۷۵ میلیون ریال برآورد شد و پرونده در تعزیرات مورد رسیدگی قرار گرفت.

گزارش روابط عمومی، رضا قشلاقی اظهار داشت: از ابتدای امسال تاکنون ۲۷ طرح گشت و بازرسی مشترک در استان اجرا شده که در قالب آن ۵۸۵ تیم مشترک در بازار حضور یافتند و سه هزار و ۱۴۷ مورد بازرسی از واحدهای صنفی و خدماتی انجام شد. وی نداشتن درج قیمت، نداشتن فاکتور خرید، رعایت نکردن ضوابط بهداشتی، گران‌فروشی و کم‌فروشی را از مهم‌ترین تخلفات مشاهده‌شده در بازرسی‌های انجام‌شده عنوان کرد و گفت: برخورد با این تخلفات با هدف صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و جلوگیری از تضییع حقوق مردم با جدیت دنبال می‌شود. وی با اشاره به مجموع پرونده‌های ورودی به تعزیرات حکومتی گلستان در نیمه نخست امسال گفت: در این مدت ۹ هزار و ۹۹۳ پرونده در شعب تعزیرات استان تشکیل و مورد رسیدگی قرار گرفته که از این تعداد، ۶ هزار و ۶۹۰ پرونده مربوط به تخلفات کالا و خدمات، یک هزار و ۸۹۲ پرونده مربوط به قاچاق کالا و ارز و یک هزار و ۴۱۴ پرونده نیز در حوزه بهداشت، درمان و دارو بوده است. قشلاقی افزود: مجموع محکومیت‌های صادرشده در این پرونده‌ها به بیش از سه هزار و ۸۳۴ میلیارد ریال رسیده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۵۰ درصد افزایش داشته است. وی با بیان این که تعداد پرونده‌های ورودی در این مدت حدود ۲۰۵ درصد افزایش یافته است، اظهار کرد: رشد قابل توجه مبلغ محکومیت‌ها در مقایسه با رشد تعداد پرونده‌ها نشان می‌دهد که ارزش ریالی تخلفات و پرونده‌های رسیدگی‌شده افزایش محسوسی داشته است. مدیرکل تعزیرات حکومتی

افزایش ۲۵۰ درصدی محکومیت‌اصناف

مدیرکل تعزیرات حکومتی گلستان با اشاره به رسیدگی به ۹ هزار و ۹۹۳ فقره پرونده تخلف در نیمه نخست امسال گفت: میزان محکومیت‌های صادرشده برای متخلفان در این مدت با رشد ۲۵۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته به بیش از سه هزار و ۸۳۴ میلیارد ریال رسیده‌به



«

بازخوانی دو قرن سکوت پس از هفتادوهفت سال

پی آمدهای یک نام‌گذاری

هادی راشد

اشاره: بخش اول این نوشتار پیشتر در گلشن مهر منتشر شده بود. اینک بخش دوم را می خوانیم.

روش نوشتار، روش تاریخ‌نگری

مرزبندی‌ها: در بررسی تاریخی، برش‌ها و مرزبندی میان لایه‌های اجتماعی، مردم و نهادها گاه از درون شناخت موشکافانه برمی‌آید، و گاه از پیش‌پذیرفته به کار می‌رود. اگر مرزبندی از درونِ بررسی و کندوکاوها بیرون آید، پژوهش را گسترش می‌دهد و پیش می‌برد، اما اگر از پیش پذیرفته باشد، دامنه‌ی پژوهش را در روندی بسته از گسترش بازمی‌دارد. در دو قرن سکوت (ویر. ۱۳۳۰)، برخی از مرزبندی‌ها برآیند پژوهش نبودند، از این رو، جایی که پذیرش پیشینی مرزبندی بر نگرش تاریخی سایه می‌اندازد، یک‌پارچگی پژوهش آسیب می‌بیند. برای نمونه، زرین‌کوب در «آغاز یک فاجعه»، نوشته است، در روند برافتادن ساسانیان، «جز بانیان آن کسی از انهدامش آسیب ندید» (چ ۱۳۳۰، ص۲-۳، این گزاره در ویراست دوم برداشته شد)، این سخن بر مرزبندی پیشینی میان مردم و دست‌گاه شاهنشاهی استوار بوده است. در هم‌آن ویرایش، نویسنده بی‌درنگ به ایستادگی‌های مردمی برمی‌گردد، و از واکنش‌های خشم‌گینانه سخن می‌گوید. چرا مردم در فرآیندی که آسیبی به آنان نرسیده بود، سر به شورش برداشتند؟ چنین شکاف‌هایی در گفتار نویسنده برآیند پذیرش پیشینی مرزبندی‌هایی است که پیش از سنجش و بررسی به کار برده شده بودند.

زبان و ادبیات: اشاره‌های کوتاه زرین‌کوب به ناپدید شدن زبان نوشتاری در چاپ ۱۳۳۰ و گسترش آن در چاپ ۱۳۳۶ به گونه‌ی دیگری با چالش مرزبندی ساختاری و درون‌مایه‌ها برخورد می‌کند. در گزارش زرین‌کوب، زبان و ادبیات از یک سو، بی هرگونه پیوندی با دربار یا جامعه بررسی شده و درباره‌ی آن برداشت‌های سراسربینانه‌ای آمده است، و از سوی دیگر، چنین برداشت‌هایی در برخورد با زبان

فارسی و عربی، پی‌آمدهای ناهم‌گونی به بار آورده است. این ناهم‌گونی در بررسی پی‌آمدهای «پیام تازه» (چ ۱۳۴۴، ص۱۱۲) بر زبان فارسی و عربی آشکار می‌شود. به‌آذین پرسیده بود: چگونه رخنه‌ی یک پیام، بی هرگونه دگرگونی، توانسته بود، زبان ایرانیان را «بند آورد»، اما زبان عرب‌ها را باز کند و گسترش دهد؟ زرین‌کوب، هرگز درباره‌ی این ناهم‌گونی سخن نگفت. برخی نشانه‌ها می‌رسانند که او در چاپ سوم (۱۳۴۴)، هنوز در کار بازنگری نوشته‌ی خود بود، اما این بخش را به جای خود نهاد.

تاریخ و سوگیری پژوهشی

پیش‌تر از رخنه‌ی ارزش‌های روانی و عاطفی در نگارش کتاب سخن به میان آمد. رخنه‌ی ارزش‌های روانی دو سویه دارد، روش‌شناسی و ادبی. زرین‌کوب جایی که از رخنه‌ی ارزش‌های روانی در نوشته سخن می‌گوید، گاه میان این سویه‌ها مرزگذاری می‌کند و گاه آن‌ها را با هم درمی‌آمیزد. به‌آذین، سویه‌های سخت‌گیرانه‌ی گروهی و نژادی، آیینی و رژیم اجتماعی را ناگزیر دانست. این ناگزیری با دریافت امروزی از سویه‌ی روش‌شناسی هم‌آهنگ است. از دید او در برخورد با حمله‌ی عرب‌ها این سوگیری بخشی از تاریخ‌نگری است؛ [زرین‌کوب بر آن بود که «نویسندهٔ تاریخ، هم از وقتی که موضوع کار خویش را انتخاب می‌کند از بی‌طرفی که لازمهٔ حقیقت‌جویی است خارج شده است.» (چ ۱۳۳۶، ص۵۰).] برگشت دادن چنین رخ‌دادی به بخت و آشوب آسمانی، تنش‌های سرزمینی (ریگ بیابان)، یا سامان روزگار (قضا و قدر)، گونه‌های سوگیری فراتاریخی اند. این سوگیری‌ها نمی‌تواند جای‌گزین بازگویی روش‌مند و گسترده‌ی چرایی رخ‌داد باشد. اگر شکست را به پوسیدگی پایه‌های شاهنشاهی، یا بی‌سامانی سپاهیان، یا کاهش پشتیبانی مردم، و ... برگردانیم، آن‌گاه به گستره‌ی داده‌های تاریخی بازگشته‌ایم. ارزش‌های روانی و عاطفی، از یک‌سو، نویسنده را از نگرش به داده‌های تاریخی بازمی‌دارد و او را به سوگیری فراتاریخی می‌راند؛ و از سوی دیگر در روند بررسی داده‌های تاریخی او را به کنار گذاشتن سنجه‌های علمی از داوری برمی‌انگیزاند. هم‌آن گونه که به‌آذین یادآوری کرده بود، تنها آن نگرشی که استخوان‌بندی‌اش از داده‌های تاریخی ساخته شده باشد، می‌تواند با خردِ سنجش‌گر به هم‌آهنگی برسد.

نام کتاب و مرزهای جست‌وجو

زرین‌کوب در نام‌گذاری، بازه‌ی تاریخی و کارکرد ادبی را به هم نزدیک کرد. نخستین پایه‌ی این نام‌گذاری، «دو قرن»، گستره‌ی کاوش‌های تاریخی را مرزبندی می‌کند. تاریخ‌نگاران و پژوهش‌گران در نگرش به تاریخ ایران از این دوره با شتاب گذشته بودند. در کتاب تاریخ ایران (The history of Persia, ۱۸۱۵) نگارش سر جان ملکم، و طرح کلی تاریخ ایران (A General sketch of the History of Persia, ۱۸۷۴)، نگارش مارکهام، دو سده‌ی نخست پس از تاخت و تاز عرب‌ها «به طور سطحی و ناقص» بررسی شده بود (براون، تاریخ ادبی ۱، ۱۳۳۷، ص۳۱۲). نویسندگان ایرانی نیز با نگاه به کم‌بود نوشتارهای به جای مانده، تا آن روزها درباره‌ی این دوره، کاوش چندانی نکرده بودند. پایه‌ی دوم نام‌گذاری، همانا «سکوت» بر آمیزه‌ای از بازنمایی و داوری استوار است. این پایه در کاربرد نمادین، سکوت را به سراسر دو سده گسترش می‌دهد. هنگامی که یک نگرنده از فراز هزار و اند سال به بازه‌ای با گستره‌ی دو سده می‌نگرد، فریاد را از کجا باید بشنود؟ نام کتاب به خواننده آگاهی می‌دهد که از صدای مردم، بازتاب درخوری در زبان بر جای نمانده است. مردم بی‌گمان سخن می‌گفتند، اما سخن آنان به زبان نوشتاری راه نیافت. سکوت، در این معنا، سکوتِ زبان نوشتاری است، نه خاموشی مردم. با این نگاه، زبان بی‌آن که چیزی را بازتاب دهد، سکوت را بازنمایی می‌کند. سکوت در این کاربرد گونه‌ای نگرش درباره‌ی رخ‌دادهای آن روزگار است. نام‌گذاری دو قرن سکوت هم‌چنین، نشان می‌دهد کدام پرسش‌ها از دستور کار پژوهش کنار گذاشته شدند. برای نمونه، پژوهش جای آن نبود که به چگونگی نیرومند شدن و گسترش اسلام در سده‌های نخستین بپردازد. زرین‌کوب گزارش این روند را در بامداد اسلام (۱۳۴۶) پی گرفت، یا در کارنامه‌ی اسلام (۱۳۴۸)، دست‌آوردهای مردم را پس از روی آوردن به اسلام بازگفت. دگرگونی پرسش، در نوشتارهای تاریخی گاه به جابه‌جایی داده‌ها می‌انجامد. از پی نادیده نهادن این جابه‌جایی برخی با یادآوری ناسازگاری سخن درباره‌ی «کتاب‌سوزی» (در دو قرن سکوت، ص۱۱۴-۱۱۵ و کارنامه اسلام، ص۳۴) گمان کردند که زرین‌کوب اندیشه‌های بن‌بادی دو قرن سکوت را در نگارش‌های دیگر خود وانهاده و از آن برگشته است (شفا، تولدی دیگر، ۱۹۹۹،



سنجش نام گذاری

چاپ کتاب دو قرن سکوت در بافت فرهنگی و اجتماعی آن روز، بی‌درنگ با واکنش‌های برانگیزاننده و سنجش‌گرانه‌ای روبه‌رو شد. نام کتاب به تنهایی واکنش‌برانگیز بود. این واکنش، چنان که یادآوری شد، برآمده از آن بود که نام کتاب را بریده از درون‌مایه‌های آن دیده بودند. یکی از نویسندگانی که به بررسی معنای سکوت در نام کتاب روی آورد، مرتضی مطهری، دانش‌ور بلندپایه‌ی مدارس دینی تهران و قم، و استاد دانش‌کده‌ی الهیات بود. مطهری نام‌گذاری «سکوت» را نشانه‌ای از پیش‌داوری در نگاه به تاریخ سده‌های نخستین دانست. از دید او، این برداشت برگرفته از نگاه برخی مستشرقین «و در رأس همه آنها سرجان ملکم انگلیسی [بود که] دو قرن اول ایران اسلامی را ... به اعتبار اینکه در این دو قرن، ایران جزء قلمرو کلی خلافت بوده و از خود حکومت مستقلی نداشته است، دوره سکوت و سکون و احیاناً دوره بردگی ایرانیان نامیده‌اند.» (خدمات متقابل ...، ۱۳۵۷، ص ۶۷۰-۶۷۱). ملکم کجا چنین سخنی گفته بود؟ دیدگاه مطهری نیازمند بازنگری است. مطهری، گویا به کتاب ملکم دست‌رسی نداشت، و بخشی از آن را از کتاب مزدیسنا و ادب فارسی بازنویسی کرده بود. ملکم یک‌جا از «دویست سال» سخن گفته و آن بازه را از دیدگاه فرمان‌روایی عرب‌ها و شورش ایرانیان سنجیده، و جای دیگر، به نابودی کتاب‌ها و نوشته‌های علمی پرداخته بود: تاریخ‌نگاران نزدیک به روزگار پیدایش اسلام گزارش کرده‌اند که پیروان پیمبر عربی، «هر چیز که عرصه‌ی تقویت ملت [دین زرتشتی] دانستند، ... هلاک ساختند، شهرها با خاک یکسان ... و کتب فضلا‌ی ملت، اعم از اینکه علوم مطلقا یا تاریخ یا کتب شریعت، یا کسانی که این گونه کتب در تصرف ایشان بود، در معرض تلف درآمدند.» (تاریخ ایران، ص ۱۲۷، چاپ سنگی، ص ۹۱-۹۲؛ متن انگلیسی ۱، ص ۲۰۰، در خدمات متقابل، این بخش از کتاب تجلیات روح ایرانی، به میانجی محمد معین در مزدیسنا بازنویسی شده است). اما این دو بخش به هم پیوسته نیستند، و از آن‌ها نمی‌توان به این گزاره رسید که ملکم «دو قرن ایران را دوره‌ی سکوت و سکون و بردگی» می‌دانست. مطهری در بررسی سخنان ملکم، آن را دارای تازگی شمرد، زیرا در هیچ گزارش دیگری دیده نشده بود: «ناچار باید فرض کنیم که این مورخ به سند و مدرکی دست یافته که چشم هیچ حلال‌زاده‌ای آن را ندیده»، وگرنه، «ناچاریم خدای ناخواسته در حسن نیت و کمال صداقت ... این مورخ که البته هیچ مأموریتی از طرف وزارت خارجه انگلستان برای تالیف این کتاب نداشته است اندکی تردید روا داریم.» (خدمات متقابل، ص ۱۶۱). در این‌جا داوری مطهری درباره‌ی نام کتاب، به واکنش‌های بازنگرانه در برابر تکاپوهای شرق‌شناسان نزدیک می‌شود. پس از گذشت سال‌ها، ادوارد سعید از «احساس نسبتاً دائمی رو در رویی» غربیان با شرق سخن گفت (شرق‌شناسی، ص ۳۶۲). این احساس برانگیزنده‌ی واکنش‌های رویارو بود. به سخن دیگر، مطهری از گفتارهای پیرامونی بهره می‌گرفت تا دریابد که «سکوت» در این نام‌گذاری چگونه کار می‌کند. روش او سنجش نام، بریده از درون‌مایه‌ی کتاب است. روشی که زرین‌کوب در مقدمه چاپ دوم، سنجش‌گران

نام کتاب به گزاره‌ای درباره‌ی زندگی ایرانیان در آن دو سده برگردانده می‌شود. در این جا، سکوت دیگر نام یک پیکربندی تاریخی - ادبی برای بازگویی کرد و کار زبان فارسی نیست، بازنمای یک روزگار تاریخی است. بر زمینه‌ی این جابه‌جایی، سخن زرین‌کوب درباره‌ی زبان، ایستادگی، دگرگونی اجتماعی، رویارویی ایرانیان با فرمان‌روایی عرب‌ها نه در پیوند با پرسش‌های درونی کتاب، که هم‌چون یک داوری سراسربینانه درباره‌ی آن روزگار خوانده می‌شد. دریافت‌های گوناگون از دو قرن سکوت را نمی‌توان تنها به بدخوانی فروکاست. نام کتاب، جای هر خوانشی را باز گذاشت، نوشتار کتاب برخی از این خوانش‌ها را کنار نهاد، با این همه، برداشت‌ها و آگاهی‌های پیرامونی، راه‌های دیگری برای بازخوانی نام کتاب را بازکردند. نام کتاب و بدخوانی آن، تنها برآمده از نام‌گذاری نبود، جابه‌جایی میان نام کتاب، نوشتار درونی، و چشم‌انداز آگاهی فرانشتاری به هم رسیدند تا نام کتاب پدیده‌ای بغرنج در روند خوانش به چشم آید.

تبارشناسی سکوت در نام گذاری

اکنون ببینیم پیش از نام‌گذاری «دو قرن سکوت»، نویسندگان تاریخ و تاریخ ادبی ایران، سده‌های نخستین را چگونه بازنمایی کرده بودند؟ در نخستین بررسی‌های تاریخ ایران، بازه‌ی میان برافتادن ساسانیان و برآمدن نخستین فرمان‌روایی‌های ایرانی را درخور پژوهش نمی‌دانستند. سر جان ملکم یادآوری کرده بود که عرب‌ها پس از چیرگی بر ایران، نمایندگان خود را در بخش‌های گوناگون به کار گماشتند، «و تا دویست سال بل متجاوز»، فرمان‌روایی بر ایران را به دست گرفتند. از دید او رخ‌داده‌ای برجسته‌ی آن روزگار، «خروج امرا و ولات است»، آنان هم‌این که در کار خلفا سستی می‌دیدند، دم از خودسری می‌زدند، و چون کار به سامان بازمی‌گشت، گردن می‌سپردند (تاریخ ایران، ص ۱۷۲). از دید ادوارد براون، ملکم و مارکهام در پژوهش‌های خود، سده‌های نخستین را گونه‌ای بریدگی و شکاف در زندگانی ملی ایرانیان دیده بودند؛ اما براون آن را «بارورترین کلیه‌ی ازمنه‌ی تاریخ ایران» می‌دید. ادوارد براون، جای دیگری، بی‌آن که از کسی نام ببرد، این دیدگاه را «که پس از استیلاء عرب بر ایران تا دو سه قرن ایرانیان فاقد زندگانی علمی و معنوی بوده‌اند» نادرست می‌خواند (۱۳۵۶، ص ۳۰۲). او این نگرش را به نویسندگان تاریخ ادبیات برمی‌گرداند. هرمان اته در کتابی که پیش از تاریخ ادبیات ادوارد براون به چاپ رسیده بود، نوشت: «افسوس که در زندگانی عمومی و روحی ملت ایران، در مدت ۱۵۰ سال تسلط عرب، جز اخبار قیام‌هایی در بعض ایالات اطلاعی نداریم، و هم‌چنین در باب دوره‌ی تحول زبان پارسی (یا پهلوی) به فارسی جدید نیز فکر صحیح روشنی مقدور نیست.» (تاریخ ادبیات، ص ۲۰). اته آشکارا از جنبش‌های اجتماعی و ناآگاهی تاریخی درباره‌ی زندگانی همگانی و دست‌آوردهای روان یک ملت سخن گفت. اته و براون در نگارش تاریخ ادبیات، به دنبال بازتاب‌های کنش گروهی بر زندگی و روان همگانی مردم بودند. براون در دیپاچه‌ی تاریخ ادبیات یادآوری می‌کند که خواسته است، «تاریخ سیر معنوی ایران را بنگارم (بنگارد) نه آن که به شرح حال شعرا و سخن سرایانی که به زبان فارسی سخن گفته‌اند» بپردازد. از این رو، نیافتن آگاهی‌ها به زبان فارسی در آن دو سده مایه‌ی پرسش و شگفتی او نبود. با هم‌این نگاه، براون دریافت نویسندگانی را که «تاریخ ادبی ایران را به مفهوم محدودتر کلمه» بازنمایی می‌کردند، و بر زمینه‌ی آن، سده‌های نخستین را «برگ سفید» (blank page) می‌دیدند، نادرست می‌دانست و در روند پیش‌برد بررسی‌ها، «خود را بالصراحه از این خطا» برکنار دانست (۱۳۳۵، ص ۳۰۲). تبارشناسی کاربرد «سکوت»، نشان می‌دهد که پیش از نام‌گذاری زرین‌کوب، بخش‌های سازنده‌ی این برداشت از تاریخ سده‌های نخستین به گونه‌ی پراکنده‌ای بازتاب یافته بودند؛ گاه برای بازگویی دشواری بازسازی زندگانی روان همگانی ایرانیان به کار می‌رفتند، گاه به کم‌بود آگاهی از روند دگرگونی زبان فارسی، و گاه به گسست در زندگانی ملی برمی‌گشتند. براون با گسترش معنای تاریخ ادبی، میان کم‌بود زبان‌نویشته‌های فارسی و نبود آگاهی از بازتاب‌های روان همگانی ایرانیان مرزبندی کرد. از این رو، هنگامی که زرین‌کوب این نام را بر کتاب خود نهاد، زمینه‌ی خوانش‌های گوناگون «سکوت» از پیش فراهم شده بود.

را از آن پرهیز داده بود. زرین‌کوب در مقدمه‌ی چاپ دوم نوشت: «در طی این دو قرن زبان ایرانی خاموشی گزیده بود و ایرانی سخن خویش جز بر زبان شمشیر نمی‌گفت.» سخن زرین‌کوب به زبان سیاست، زبان ایستادگی در برابر «فرمان» برمی‌گشت. مطهری در واکنش نوشت، «من حقیقتاً معنی این سخن را نمی‌فهمم! آیا زبان علمی زبان نیست؟! آیا زبان ادبی زبان نیست؟» (ص ۶۷۲). در این‌جا مطهری به جای بازگشت به پرسش کتاب، آن را با پرسش دیگری جابه‌جا کرد. گفتار مطهری با سخنان براون هم‌پوشی دارد. براون در سنجش دیدگاه صفحه‌ی سفید، چنین می‌انگاشت که اگر نام ایرانیان را از میان پدید‌آوردگان نوشته‌های علمی و ادبی برداریم، «بهترین قسمت آن علوم از میان می‌رود.» (ت. ا.، ۱۳۳۵، ص ۳۰۳). براون که در جست‌وجوی بازتاب‌های «نبوغ ملی ایران» در رشته‌های گوناگون دانش و فرهنگ بود، برایش «فرقی نداشت که این مباحث به چه زبانی نوشته شده است.» (ص ۳). مرتضی مطهری در خدمات متقابل اسلام و ایران با شیوه‌ای نزدیک به روش براون، دیدگاه زرین‌کوب را درباره‌ی خاموشی زبان فارسی به چالش کشید: «آیا شاهکار ادبی سیبویه ... جز در این دو قرن آفریده شده است؟!» (خدمات، ص ۶۷۲). از دید او، کسی ایرانیان را ناگزیر نساخته بود که به زبان عربی بنویسند. شاه‌کارها را نمی‌توان به زور نوشت. ایرانیان پس از آشنایی با زبان اعجاز الهی، با نوشته‌های خود زبان عربی را نیرومند کرده بودند و این ویژگی، نشانه‌ی کاستی کار آنان نبود، «آیا این عیب است بر ایرانیان؟» در سخنان مطهری، پرسش بن‌یادی کتاب جابه‌جا شده بود. زرین‌کوب پرسیده بود، چگونه زبان ایرانیان به خاموشی گرایید؟ مطهری در واکنش می‌گوید، آیا ایرانیان به راستی در این دو سده از دید علمی و ادبی خاموش بودند؟ روشن است پرسش زرین‌کوب با رده‌ی داده‌های دیگری برخورد می‌کند.

چاپ سوم با افزوده‌ها و کاستی‌های دیگر

در روند این یادداشت‌ها پس از دست‌رسی به چاپ دوم کتاب، اکنون روشن است که چاپ سوم کتاب در ۱۳۴۴ نیز با دگرسانی‌هایی هم‌راه شده بود. این دگرسانی‌ها دنباله‌ی بازنگری در چاپ دوم کتاب است. برای نمونه، زرین‌کوب در چاپ سوم، زیربخش وهرز را (فرمان‌روایان صحرا) دوباره نوشت، نام زیربخش «جنگ با زنگیان» را برداشت، و نوشته‌های آن را با بخش وهرز یکی کرد. در بخش طوفان و ریگ هم، زیربخش‌های «خیانت یک ایرانی»، «هرمز» و «فتح شوش» را از میان برداشت، و نوشته‌های آن را به بخش‌های دیگر افزود. بر زمینه‌ی این کاهش‌ها و افزودگی‌ها شاید بتوان گفت بخش‌های دست‌نخورده را نیازمند بازنگری ندیده بود. به‌آذین در بررسی چاپ دوم کتاب نوشته بود، «در مورد دین و زبان، آقای زرین‌کوب نظرهایی دارند که ناچار باید تعبداً پذیرفت. مثلاً می‌گویند: آنچه در این حادثه زبان ایرانیان را بند آورد سادگی و عظمت پیام تازه بود. و با این استدلال ظاهراً می‌بایست زبان خود عربان را زودتر بند آورد.» روشن است خودداری از بازنگری این بخش، دست کم نشان می‌دهد که خرده‌سنجی به‌آذین در بازنگری چاپ سوم به کار نامده بود. در بخش‌های دیگر هم این رده از یادداشت‌ها نشان خواهیم داد چرا این خرده‌سنجی از دید زرین‌کوب نمی‌توانست به کار آید.

در پویه‌ی زبان فارسی

گزیده‌ی یادداشت‌ها در فرهنگ، زبان و ادبیات

OnPersianLanguage@

پژوهشگر ادب فارسی



«

وقتی محرومیت همکلاسی دانش آموزان گنبدی است ...



علی کیان

زنگ آغاز سال تحصیلی در گنبدکاوس به صدا درآمده است، اما صدای این زنگ در همه نقاط شهرستان معنای یکسانی ندارد. برای برخی دانش‌آموزان، مدرسه با کلاس مجهز و امکانات آموزشی آغاز می‌شود و برای برخی دیگر، تحصیل هنوز با فاصله طولانی، کمبود امکانات، مشکلات معیشتی و زیرساخت‌های ناکافی گره خورده است. واقعیتی که یک پرسش جدی را پیش روی متولیان آموزش قرار می‌دهد: آیا محل تولد یک دانش‌آموز باید در کیفیت فرصت آموزشی او اثرگذار باشد؟ سال تحصیلی جدید را نمی‌توان صرفاً با آمار ثبت‌نام دانش‌آموزان و تعداد مدارس افتتاح‌شده سنجید. شاخص مهم‌تر این است که دانش‌آموز یک روستای مرزی، در مقایسه با دانش‌آموز مناطق برخوردار، چه میزان فرصت واقعی برای یادگیری و پیشرفت دارد. در بخش‌هایی از مناطق کم‌برخوردار گنبدکاوس، مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، دسترسی دشوار به مدرسه، هزینه رفت‌وآمد، کمبود برخی امکانات آموزشی و فرسودگی فضای فیزیکی مدارس، بخشی از واقعیت روزمره آموزش است. این مشکلات شاید در گزارش‌های رسمی در قالب چند عدد و جدول دیده شوند، اما برای یک دانش‌آموز، معنای آن می‌تواند بسیار ساده و ملموس باشد: کلاسی با امکانات کمتر، مسیر طولانی‌تر و فرصت‌هایی محدودتر. در چنین شرایطی، معلمان مناطق محروم نقشی فراتر از انتقال کتاب درسی بر عهده دارند. بسیاری از آنان برای حفظ جریان

« آگهی ثبتی

آگهی گروهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده

۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

۱-فاطمه نقی نئی بشماره ملی ۲۱۲۲۰۶۹۶۶۱ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۵۵دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است به مساحت ۱۲۰۶۴٫۶۲ مترمربع ازپلاک شماره ۱۵۶-اصلی واقع دراراضی معصوم آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۵-لیلای زمانی شماره ملی ۲۱۲۲۸۱۵۱۵۵۹ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۶۵٫۴۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۶-غنبرپوررستمکلاته شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۶۷٫۳۳ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۷-حسینعلی شاهرخ شاهکوهی شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۸-حسینعلی شاهرخ شاهکوهی شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۹-حسینعلی شاهرخ شاهکوهی شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۰-حسینعلی شاهرخ شاهکوهی شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۱-علیرضاگرد شماره ملی ۲۱۲۲۱۴۰۰۷۰ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۲-راضیه شاهرخی شماره ملی ۲۱۲۲۰۵۲۱۰۹۳ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۷۹ مترمربع ازپلاک شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۳- نوروزعلی محمدنژاد رستمکلاته شماره ملی ۲۱۲۲۰۶۲۳۳۹ در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۶۷۸٫۴۹ مترمربع ازپلاک

شماره ۶۰-اصلی واقع دراراضی رستم کلاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۴- حسین علی صوفی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۴۸۵۷ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۱۷۷۹٫۷۰ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۵- زهرا پرئو شماره ملی ۲۱۲۲۳۲۰۰۷۸۱ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۷۳۹۷٫۷۶ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۶-بکم علی صوفی شماره ملی ۲۱۲۷۱۷۳۰۹۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۳۱۲۶ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد ۱۷- محمدسرگزری کرباسکی شماره ملی ۲۱۱۰۶۵۲۲۷۶ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۹۴۷۸۰ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۸-سکینه سرگزری کرباسکی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۲۷۱۰ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۴۱۵ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۱۹-بیگم سرگزری کرباسکی شماره ملی ۲۱۱۰۶۵۲۲۷۶ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۳۲۷٫۳۴ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد ۲۰-عباسعلی پیرانی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۳۱۶۸ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۲۱۰۵۵٫۶۷ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۱-فاطمه علی شاهی شماره ملی ۲۳۶۶۹۷۹۶۴۱ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۱۷۷۹٫۷۰ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۲- محمدزاسرگزری شماره ملی ۲۱۲۰۷۲۲۲۸۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین بصورت باغ بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۱۵۸۷٫۷۹ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد ۲۳- مریم سرگزری شماره ملی ۲۱۲۱۵۷۸۷۰۶ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۷۱۷٫۱۷ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۴-زهرا حاتم‌ی زارع شماره ملی ۵۳۳۸۸۹۳۴۰ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۵۲۲۶٫۴۵ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۵- عظیم سارانی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۳۴۵۱ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۱۰۲۴۴٫۱۵ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۶- عباسعلی پیرانی شماره ملی ۲۱۲۲۴۰۳۴۹۷ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۵۶۹۳٫۶۵

آن اعلام شود. در کنار آن، وضعیت کمبود نیروی انسانی، سرویس رفت‌وآمد دانش‌آموزان مناطق دوردست و حمایت از دانش‌آموزان کم‌برخوردار نیز باید به صورت شفاف بررسی و اعلام شود. مردم حق دارند بدانند از میان وعده‌های مربوط به عدالت آموزشی، چه میزان اعتبار اختصاص یافته، چه تعداد مدرسه در اولویت قرار گرفته و چه زمانی قرار است نتیجه این تصمیمات در کلاس درس دیده شود. زنگ مهر نباید تنها آغاز یک سال تحصیلی باشد. باید آغاز یک حساب‌کشی آموزشی نیز باشد. اگر قرار است عدالت آموزشی معنایی واقعی داشته باشد، نباید کیفیت آموزش را آدرس مدرسه تعیین کند. دانش‌آموزی که در دورترین نقطه گنبدکاوس زندگی می‌کند، همان اندازه حق برخورداری از فرصت رشد دارد که دانش‌آموزی در برخوردارترین نقطه کشور. مدرسه محروم، مسئله حاشیه‌ای نیست، مسئله آینده است!

فعال رسانه‌ای



مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۷-عظیم سارانی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۳۴۵۱ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۵۷۸۸٫۲۷ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد ۲۸- شهرام خانی بامری شماره ملی ۲۱۱۰۱۸۱۸۱۸ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۶۱۱٫۳۴ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۲۹- حسین علی صوفی شماره ملی ۲۱۲۰۶۱۴۸۵۷ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۳۱۰سهم از۳۱سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۵سهم مشاع از۳۱سهم آن وقف است به مساحت ۱۷۳۳٫۳۶ مترمربع ازپلاک شماره ۹۰-اصلی واقع دراراضی کماسی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۰- عبدالرحمن توسلی شماره ملی ۴۹۷۹۴۷۸۳۴۴ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۸۵۱۹٫۲۹ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۱- حسین اترچالی شماره ملی ۲۱۲۰۴۱۷۰۷۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۲۲۸۱٫۰۸ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۲- کبری علی راد شماره ملی ۲۱۲۲۰۷۲۵۰۴ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۷۲۸۲٫۱۸ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۳- کبری علی راد شماره ملی ۲۱۲۲۰۷۲۵۰۴ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۸۶۵۸٫۵۱ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۴- حسین اترچالی شماره ملی ۲۱۲۰۴۱۷۰۷۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۲۷۷۸٫۰۹ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۵- بیرام دوردی توسلی شماره ملی ۴۹۷۹۴۷۸۵۶۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۱۵۷۹۱٫۶۶ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۶- بیرام دوردی توسلی شماره ملی ۴۹۷۹۴۷۸۵۶۵ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۱۵۷۹۱٫۶۶ مترمربع ازپلاک شماره ۷۵-اصلی واقع دراراضی اترکچال بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد-۳۷- گل رخ درج در شماره ملی ۳۲۷۱۲۲۲۱۲۳ در ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی بانضمام ۱۶۲سهم از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی که۱۸۰سهم مشاع از۱۸۰سهم آن وقف است به مساحت ۱۴۰۵۰٫۶۱،۸ تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۵٫۰۶٫۱۸ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۵٫۰۷٫۰۴ سیدعبسی میرکاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۷۲۸۹۹

نمایشگاه اکسیو، فرصتی برای معرفی صنایع دستی گلستان

مهاجرت و افزایش درآمد خانوارهای روستایی کمک کند. کیان مهر با اشاره به ضرورت استفاده از شیوه‌های نوین بازاریابی، گفت: برای معرفی و فروش گسترده‌تر تولیدات هنرمندان باید از ظرفیت بازارهای دیجیتال استفاده شود و در این زمینه مذاکرات اولیه‌ای برای دعوت از مدیرعامل اپلیکیشن «باسلام» یکی از مجموعه‌های فعال فروش اینترنتی به استان انجام شده تا امکان حمایت از تولیدات هنرمندان در مناطق شهری و روستایی و عرضه دیجیتال محصولات آنان بررسی شود. وی کشورهای آسیای میانه را از بازارهای هدف مناسب برای صنایع دستی استان دانست و افزود: کیفیت و تنوع تولیدات هنرمندان گلستان این امکان را فراهم می‌کند که با برنامه‌ریزی در حوزه بسته‌بندی، برندسازی، بازاریابی دیجیتال و صادرات، زمینه حضور این محصولات در بازارهای منطقه‌ای تقویت شود. معاون استاندار گلستان همچنین از اختصاص بخشی از ظرفیت نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۶ به صنایع دستی گلستان خبر داد و گفت: هماهنگی‌های اولیه با مسوول برگزاری نمایشگاه انجام شده است و تلاش می‌کنیم فضاهایی را به‌صورت رایگان در اختیار هنرمندان و کارآفرینان صنایع دستی استان قرار دهیم تا بتوانند محصولات خود را معرفی و عرضه کنند. کیان مهر خاطرنشان کرد: هدف این است که با حمایت تسهیلاتی، توسعه بازار فروش و فراهم کردن فرصت حضور در نمایشگاه‌ها، هم هنرها و مهارت‌های ارزشمند به‌جامانده از نسل‌های گذشته حفظ و گسترش پیدا کند و هم افراد جدید وارد این عرصه شوند در کنار آن درآمد مردم از محل تولید و فروش صنایع دستی افزایش یابد.



نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۶ گلستان با محوریت کشورهای آسیای میانه و با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان طراحی شده که گامی کلیدی در راستای تقویت روابط خارجی با کشورهای منطقه محسوب می‌شود

واحدهای توانمند صنایع دستی و هنرهای سنتی فعالیت دارند که برخی از آنها در سطح ملی شناخته شدند و علاوه بر تولید، آموزش هنر جوانان و انتقال مهارت به نسل جدید را دنبال می‌کنند. معاون استاندار گلستان با تأکید بر اینکه آثار چوبی، سفال، سرامیک، میناکاری و تولیدات نساجی سنتی استان از کیفیت و قابلیت مناسبی برای توسعه بازار برخوردارند، ادامه داد: گسترش فعالیت‌های صنایع دستی به روستاها می‌تواند به ایجاد اشتغال در محل زندگی مردم، جلوگیری از

و کردکوی گفت: حمایت از صنایع دستی، بوم‌گردی‌ها و کسب‌وکارهای محلی، یکی از مسیرهای مؤثر برای افزایش درآمد خانواده‌ها، توسعه اشتغال و تقویت اقتصاد روستاهاست. عبدالعلی کیان‌مهر افزود: با توجه به شرایط اقتصادی کشور، باید زمینه تنوع‌بخشی به منابع درآمدی خانواده‌ها را فراهم کنیم و صنایع دستی و اقامتگاه‌های بوم‌گردی از ظرفیت‌های ارزشمند استان برای ایجاد درآمد پایدار به‌ویژه در مناطق روستایی به شمار می‌روند. وی بیان کرد: در شهرستان‌های مختلف استان گلستان

می‌شود که می‌تواند در هر فرصتی از جمله نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۶ برای معرفی این ظرفیت‌ها با هدف جذب گردشگر و توریست و درآمدزایی برای مردم استفاده کرد. نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۶ گلستان با محوریت کشورهای آسیای میانه و با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان طراحی شده که گامی کلیدی در راستای تقویت روابط خارجی با کشورهای منطقه محسوب می‌شود. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان در بازدید از مراکز صنایع دستی شهرستان‌های بندرگز

گلستان سرزمینی مملو از صنایع دستی بکر و بوم‌گردی‌های ناشناخته است که زیرساختی منحصربه‌فرد برای بهبود معیشت خانوارها به خصوص هنرمندان صنایع دستی و فعالان حوزه گردشگری به شمار می‌رود که مدیران دولت چهاردهم در گلستان برای تحقق اهداف به دنبال افزایش سهم بخش گردشگری در نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۶ استان هستند. به گزارش ایرنا، بوم‌گردی در گلستان فرصتی برای ورود به عمق فرهنگ، آداب و رسوم و سبک زندگی اصیل اقوام مختلف است که با وجود ۲۱۹ واحد بوم‌گردی فعال، این صنعت نوپا اما پویا نه تنها فرصتی طلایی برای اشتغال‌آفرینی و افزایش درآمد روستاییان فراهم کرده بلکه تجربه‌ای متفاوت و ماندگار برای گردشگران داخلی و خارجی هنگام سفر به این دیار است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای توسعه بوم‌گردی در گلستان، تأثیر مستقیم آن بر اقتصاد محلی و ایجاد اشتغال است که بر اساس آمارهای رسمی، حدود چهار هزار نفر به‌طور مستقیم در تاسیسات گردشگری استان مشغول به کار هستند که بخش قابل توجهی از این اشتغال‌آفرینی مربوط به واحدهای بوم‌گردی است. در کنار آن، گلستان بیش از ۴۰ هزار هنرمند دارای مجوز در ۸۴ رشته صنایع دستی دارد که ۱۰ هزار نفر آنان فعال هستند و چهار بازارچه دائمی صنایع دستی در این استان دایر بوده و یک بازارچه دیگر هم در کردکوی در حال ساخت است. گلستان به عنوان سرزمینی مملو از طبیعت رنگارنگ و دلفریب با فرهنگ و تمدن باستانی ریشه‌دار و داشتن اقوام و مذاهب گوناگون در کنار پیشینه تاریخی بیش از هفت هزار ساله، بخشی از سرزمین پهناور ایران زمین محسوب

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان عنوان کرد:

خودکفایی در تولید گوشت قرمز مبنای سیاست‌گذاری ماست

حتی به‌صورت موردی با سرمایه‌گذاران جلساتی برگزار می‌کنیم و برای پیشبرد امور و رفع موانع آن‌ها پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهیم. نخستین موضوع در این زمینه، تسهیل امور سرمایه‌گذاری است. در بسیاری از موارد، زمانی که یک سرمایه‌گذار وارد فرآیند سرمایه‌گذاری می‌شود، در مسیر دریافت مجوزها و انجام امور اداری با بروکراسی مواجه می‌شود؛ از جمله مجوزهای مربوط به آب، برق، گاز و سایر زیرساخت‌های مورد نیاز. ما تلاش کرده‌ایم این فرآیندها را برای سرمایه‌گذاران تسهیل کنیم. وی در ادامه گفت: در موارد متعدد، معاونت اقتصادی استانداری با حضور سرمایه‌گذار جلساتی را برگزار کرده و مدیران دستگاه‌های مرتبط، از جمله مدیران حوزه‌های آب، برق و گاز در این نشست‌ها حضور یافته‌اند تا مسائل و نیازهای سرمایه‌گذار در همان جلسه بررسی و برای رفع آن‌ها تصمیم‌گیری شود. بنابراین، یکی از محورهای اصلی فعالیت ما، تسهیل فرآیند سرمایه‌گذاری و کاهش موانع اداری در این مسیر بوده است. هزارجریبی در نهایت عنوان کرد: موضوع دیگر، واگذاری اراضی و تغییر کاربری است که در این زمینه نیز تلاش کرده‌ایم فرآیندها با سرعت بیشتری انجام شود. اگر سرمایه‌گذاری برای اجرای طرح خود نیازمند تغییر کاربری زمین باشد، تلاش می‌کنیم این فرآیند بدون معطلی انجام شود. در گذشته ممکن بود این امور زمان زیادی به طول بینجامد یا حتی با مخالفت‌هایی مواجه شود، اما اکنون در زمینه تغییر کاربری اراضی و همچنین واگذاری اراضی دولتی، به‌ویژه برای طرح‌هایی که نیاز آبی قابل توجهی ندارند، فرآیندها را با سرعت بیشتری دنبال می‌کنیم.

سفر ریاست جمهوری گفت: در چارچوب مصوبات سفر ریاست جمهوری، سه مورد تسهیلات برای مجموعه آشوراده در نظر گرفته شده است و حدود ۳۵۰ میلیارد تومان نیز برای این منظور کارسازی شده است. امیدواریم پس از طی مراحل نهایی، این تسهیلات در اختیار مجموعه قرار گیرد و در ادامه نیز، در صورت امکان، تسهیلات دیگری در سطح وزارتخانه برای توسعه فعالیت‌های آن تأمین شود. وی افزود: هدف این مجموعه آن است که از ظرفیت‌های موجود در زنجیره تولید به‌صورت کامل استفاده کند و بخش بیشتری از ارزش افزوده را در داخل مجموعه ایجاد کند. این رویکرد، علاوه بر افزایش تولید و ارزش افزوده، از نظر ایجاد اشتغال نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. وی همچنین از معرفی مجموعه آشوراده به وزارت جهاد کشاورزی برای استفاده از روش‌های جدید تأمین مالی خبر داد و افزود: وزارت جهاد کشاورزی روش‌های جدیدی برای تأمین مالی واحدهای تولیدی ایجاد کرده است. مجموعه لبنیات آشوراده نیز در گذشته برای استفاده از یکی از این روش‌ها به وزارتخانه معرفی شد، اما تاکنون موفق به دریافت آن نشده است. هزارجریبی ادامه داد: با توجه به تغییر شرایط، روش‌های جدید تأمین مالی می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای واحدهای تولیدی فراهم کند. این روش‌ها نسبت به شیوه‌های گذشته متفاوت است و امیدواریم بتوانیم از این ظرفیت‌ها برای حمایت از مجموعه آشوراده استفاده کنیم. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان اظهار داشت: شرایط استان گلستان برای ورود سرمایه‌گذاران تا حد زیادی فراهم و فرآیندهای مرتبط با آن تسهیل شده است. ما

مهران مودنی - رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان، با اشاره به سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی در حوزه تولید گوشت قرمز اظهار کرد: یکی از سیاست‌های اصلی وزارت جهاد کشاورزی، توسعه تولید گوشت قرمز در کشور با هدف دستیابی به خودکفایی در این بخش است. در حوزه مرغ، کشور به خودکفایی رسیده و حتی در این زمینه صادرکننده هستیم، اما در حوزه گوشت قرمز همچنان نیازمند توسعه ظرفیت‌های تولید و حمایت از واحدهای فعال هستیم. ابراهیم هزارجریبی، یک‌شنبه، ۲۹ شهریور ۱۴۰۵، در جمع خبرنگاران عنوان کرد: بخش خصوصی نیز فعالیت گسترده‌ای در این زمینه دارد و سازمان جهاد کشاورزی نیز به سهم خود تلاش کرده است تسهیلات اولویت‌دار را به حوزه تولید گوشت قرمز اختصاص دهد. سال گذشته تسهیلات مربوط به طرح‌های پرواربندی و تولید گوشت قرمز که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اختصاص یافته بود، در استان گلستان به متقاضیان پرداخت شد تا زمینه توسعه تولید در این بخش فراهم شود. وی ادامه داد: در کنار توسعه تولید، ایجاد و تکمیل زنجیره‌های ارزش نیز از برنامه‌های مهم وزارت جهاد کشاورزی به شمار می‌رود. مجموعه لبنیات آشوراده یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه است. این مجموعه فعالیت خود را در حوزه تولید گوشت و شیر آغاز کرد و به‌تدریج با توسعه فعالیت‌های خود، آن را به یک زنجیره کامل تبدیل کرد؛ به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از ارزش افزوده محصولات در داخل همین مجموعه ایجاد می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به تسهیلات مصوب